

# اندر حکایت سعدی و کتاب‌های درسی

سید اکبر میر جعفری

به نام ادبیات کودک پی برده‌اند. نگاهی به کتاب‌های درسی اولیه در ایران می‌نمایاند که: سیاری از متون در همین جهت ساده شده‌اند و تعدادی دیگر فقط و فقط برای ارائه در همین کتاب‌ها خلق شده‌اند. در همین کتاب‌ها شعرهای رامی بیننم که شاعران آن‌ها هیچ سابقه‌ای در شعر کودک نداشته‌اند (و اصلاً مگر شعر کودک در آن زمان سابقه‌ای هم داشته است؟) به بیانی روشن‌تر: قدیمی‌ترین نمونه‌های شعر کودک را باید در کتاب‌های درسی پیدا کرد. با این وصف اما شعر و نثر سعدی بیش از شعر هر نویسنده‌ای در کتاب‌های درسی سهم دارد.

یک توضیح: در همین کتاب‌ها، شعرها یا نوشته‌هایی رامی بیننم که در انتهای آن‌ها، نام صاحب اثر آمده است، اما وقتی به اصل آثار مراجعه می‌کنیم، بی می‌بریم که آن مطالب، با نمونه چاپ شده‌شان در کتاب درسی، تفاوت‌های فاحشی دارند (برای نمونه: داستان دخترک بیرون‌نشسته و یکتور هوکو که هنوز هم به همین نام در یکی از کتاب‌های درسی موجود است). روشن است که این "تصرف و تلخیص‌ها" کار نویسنده‌گان کتاب‌های درسی است در جهت قابل فهم کردن نوشته برای کودکان. اما چنین تغییراتی در کتاب درسی، کمتر شامل شعر یا نثر سعدی شده است.

۴. اوخر دهه شصت به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، کتابی با ظاهری آراسته و کاغذی مرغوب به چاپ رسیده بود با عنوان "سعدی در کتاب‌های درسی". این کتاب که چندان هم کم حجم نبود، نشان می‌داد آثار سعدی در تدوین کتاب‌های درسی چه سهمی دارند.

جمع اتابه: با همه این توضیحات و با همه معانی که بر سر راه رسیدن یک متن به کتاب درسی است، سعدی حضوری بلامانع در کتاب‌های درسی دارد و این حضور به شهادت حجم و تعداد آثار، از هر نویسنده دیگر بیشتر است.

فراموش نکنیم، با وجود کثرت تولید رسانه‌های صوتی و تصویری ... هنوز هم کتاب درسی جایگاهی غیر قابل انکار در زندگی امروز ما دارد. اما چرا هیچ مانع نتوانسته است از حضور سعدی در آموزش و پرورش ما بکاهد؟ گویی این شاعر بزرگ به چنان جایگاهی رسیده است که هیچ سلیقه‌ای جسارت حافظ آن را به خود نمی‌دهد. سعدی

از عشق گفته است، اما این معانی بر سر حضور وی در رسانه‌های آموزشی ما نیست. هم‌چنان که انتقادهای وی از اشاره‌گو ناگون جامعه، باعث شدنه کسی به فکر حذف او بیفت و شاید کسی در خود چنین توانی نمی‌بیند.

۱. چند سال پیش معلمان یکی از کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی، در تدریس یکی از درس‌ها با مشکل رویه‌رو شده بودند. اتفاقاً این درس یکی از غزل‌های سعدی بود. تلاش کارشناسان گروه ادبیات فارسی نیز برای توضیح و رفع مشکل کارساز نیافتاد. سرانجام قرار بر این شد که آن غزل از کتاب درسی حذف و غزلی دیگر از سعدی جای‌گزین آن شود. این مأموریت به بنده سپرده شد. اولین شرط انتخاب چنین غزلی این بود که در آن از "عشق و مشقان" خبری نباشد. کسانی که با غزلیات سعدی آشنایی دارند، می‌دانند که عشق جوهره اصلی غزلی سعدی - یا بهتر بگوییم هر غزلی - است. با این وصف باید غزلی از دیوان سعدی می‌یافتم که عشق نداشته باشد؛ زیرا شرح و توضیح عشق برای دانش دانش آموزان دوره راهنمایی چندان آسان نیست! بنابراین، بنده تمام دیوان سعدی را جست و جو کردم و تنها دو غزل یافتم که در آن‌ها ظاهرآ - می‌گوییم ظاهرآ زیرا هر غزلی بی‌عشق، آن هم غزل سعدی، سرانجامی ندارد - از عشق خبری نبود.

۲. سال‌هایی که در گروه زبان و ادبیات فارسی مشغول به کار بودم، نامه‌های تأمل برانگیزی از دانش آموزان و معلمان به دستم می‌رسید. روزی یکی از معلمان نامه‌ای به این مضمون برای دفتر تألیف نوشته بود:

"مدیر کل محترم دفتر برنامه‌ریزی و تأثیف کتاب‌های درسی باسلام و احترام

از آن‌جا که شعر برگ درختان سبز سروده سعدی شیرازی شعری ضعیف است و برای دانش آموزان مفید نمی‌باشد، لذا بنده یکی از سروده‌های خود را به همراه شرح و توضیح لغات و ایيات برایتان ارسال می‌کنم تا جای گزین شعر سعدی شود". این معلم شاعر در ادامه سروده خود را آورده بود و آن را در قامت یک درس آراسته بود؛ یعنی مانند سایر درس‌های کتاب، برای آن توضیحات نوشته بود، کلماتش را معنی کرده بود و سرانجام برای آن پرسش و تمرین طراحی کرده بود.

۳. ادبیات کودک و کتاب‌های درسی، یاران دیستانی یکدیگرند. کسانی که تاریخ ادبیات کودک بویژه شعر کودک را در ایران بررسی کرده‌اند، می‌دانند که

اصلاً و اساساً اولین نمونه‌های ادبیات کودک در ایران، در کتاب‌های درسی به چاپ رسید. از منظری دیگر شاید مؤلفان کتاب‌های درسی آن زمان، در پی "قابل فهم کردن نوشته‌ها و شعرها برای کودکان"، به ضرورت مقوله‌ای